

## **The effect of the expansion of Eqtā on the landholding system in the Seljuk period**

Amirhossein Hatami<sup>1</sup>

### **Abstract**

One of the important consequences of the emergence of the Seljuk government was the changes that took place in the land ownership system. These changes were mostly related to military Eqtā, that is, parts of the land that were given to the corps instead of their dues. In fact, the Eqtā system that reached its final stage in the Seljuk period brought about fundamental changes in the concept of "Melk" and land ownership in Islamic Iran. In this research, an attempt is made to examine and analyze these transformations and answer the main question, what were the most important effects of the Eqtā system on the landholding system of Iran during the Seljuk period? Based on the findings of the research, Eqtā system had harmful effects on the landholding system and land ownership. The immediate and direct effect of establishing the Eqtā system was the sharp reduction of private lands. In fact, large and prosperous lands were taken out of the hands of the owners and became the temporary or permanent possession of the corps. These troops, who had no experience in farming and agriculture, and had no motivation and permanent interest in the land, were only trying to get the most benefit from the land they temporarily occupied in the shortest possible time. The result of this was nothing but anarchy and destruction of prosperous lands.

**Key words:** Seljuqs, Eqtā system, landholding system, land ownership, Melk.

---

<sup>1</sup> Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. hatami@hum.ikiu.ac.ir

Date received: 16/2/2023, Date of acceptance: 30/3/2023



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی<sup>۲</sup>

امیرحسین حاتمی<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از پیامدهای مهم برآمدن حکومت سلجوقیان، تغییراتی بود که در نظام مالکیت ارضی روی داد. این تغییرات بیشتر در ارتباط با اقطاع‌های لشکری یعنی حصه‌هایی از زمین که در عوض مواجب و یا بخشی از آن به لشکریان داده صورت گرفت. در واقع نظام اقطاع‌داری که در دوره سلجوقیان به مرحله نهایی خود رسید، دگرگونی‌های اساسی در مفهوم «ملک» و مالکیت ارضی در ایران اسلامی پدید آورد. در این پژوهش تلاش می‌گردد این دگرگونی‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که مهم‌ترین تأثیرات اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری ایران عصر سلجوقی چه بود؟ بر مبنای یافته‌های پژوهش، اقطاع‌داری اثرات زیان‌باری بر نظام زمین‌داری و مالکیت ارضی داشت. اثر آنی و مستقیم تثبیت نظام اقطاع، کاهش شدید اراضی ملکی بود. در واقع زمین‌های بزرگ و آباد ملکی از

<sup>۲</sup> گزارشی از این مقاله، در همایش تاریخ اقتصادی ایران در دوره سلجوقیان (دانشگاه تهران، اسفند ۱۴۰۰) به صورت سخنرانی، ارائه گردیده است.

<sup>۳</sup> دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاهی بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

hatami@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۰



دست مالکان خارج و به مالکیت موقت یا دائمی سپاهیان درمی‌آمد. این سپاهیان که نه تجربه زراعت و کشاورزی داشتند و نه انگیزه و علاقه دائمی به زمین داشتند، تنها تلاش داشتند در کوتاه‌ترین زمان ممکن از زمینی که موقتاً در تصرف داشتند بیشترین سود را بگیرند. حاصل این امر چیزی جز هرج و مرج و ویرانی زمین‌های آباد نبود.

**واژه‌های کلیدی:** سلجوقیان، اقطاع‌داری، نظام زمین‌داری، مالکیت ارضی، ملک.

## ۱. مقدمه

در کنار همه تغییراتی که پیامد حضور و برآمدن سلجوقیان در ایران بود، نظام زمین‌داری نیز در این دوره دستخوش تغییرات نسبتاً بزرگی شد. البته تغییرات در نظام زمین‌داری پیامد مستقیم بر سر کار آمدن سلجوقیان نبود. این تغییرات از زمانی شدت یافت که نظام اقطاع‌داری در این دوره کاربرد وسیع و گسترده یافت. اقطاع در واقع به واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن با اعطاء حق گردآوری خراج و مالیات به کسی در مدت زمان محدود و یا نامحدودی اطلاق می‌شد. این واگذاری البته در این دوره بیشتر نظامیان و سپاهیان را شامل می‌شد. اما این سپاهیان که معمولاً نه تجربه زراعت و کشاورزی داشتند و نه انگیزه و علاقه دائمی به زمین داشتند، تنها تلاش داشتند در کوتاه‌ترین زمان ممکن از زمینی که موقتاً در تصرف داشتند بیشترین سود را بگیرند. حاصل این امر چیزی جز هرج و مرج و ویرانی زمین‌های آباد نبود. در نتیجه اقطاع در معنایی که گفته شد، تغییرات اساسی در مفهوم «ملک» و مالکیت ارضی در ایران اسلامی پدید آورد. این تغییرات البته اختصاصی به دوره سلجوقی نداشت و از مدت‌ها قبل بویژه از دوره آل بویه آغاز شده بود، اما در دوره سلجوقیان به اوج خود رسید.

با این وصف این پژوهش تغییرات مورد نظر در حوزه زمین‌داری را مورد بررسی و تحلیل داده و تلاش کرده به این پرسش اصلی پاسخ دهد که مهم‌ترین تأثیرات اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری ایران عصر سلجوقی چه بود؟ بر مبنای یافته‌های پژوهش، اقطاع‌داری

## تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۳۵

اثرات زیان‌باری بر نظام زمین‌داری و مالکیت ارضی داشت. اثر آنی و مستقیم تثبیت نظام اقطاع، کاهش شدید اراضی ملکی بود. در واقع زمین‌های بزرگ و آباد ملکی از دست مالکان خارج و به مالکیت موقت یا دائمی سپاهیان درمی‌آمد. این سپاهیان که نه تجربه زراعت و کشاورزی داشتند و نه انگیزه و علاقه دائمی به زمین داشتند، تنها تلاش داشتند در کوتاه‌ترین زمان ممکن از زمینی که موقتاً در تصرف داشتند بیشترین سود را بگیرند. حاصل این امر چیزی جز هرج و مرج و ویرانی زمین‌های آباد نبود.

### ۲. زمینه تاریخی

اقطاع در سراسر تاریخ میانه جهان اسلام به طور کلی به معنای آن آمده که «حکمران زمینی را به رسم تبول به کسی واگذارد تا از آن او گردد» (خوارزمی، ۱۳۸۹: ۶۲). اما به طور دقیق‌تر می‌توان گفت اقطاع اصطلاحی در امور ارضی، مالیاتی و دیوانی در جهان اسلام است که واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن با اعطاء حق گردآوری خراج و مالیات به کسی در مدت زمان محدود و یا نامحدودی اطلاق می‌شده است. (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۴۳) به نظر تعدادی از فقها همچون ابوحنیفه و مالک بن انس، اقطاع شرط احیاء است و بدون اذن امام جایز نیست اما به عقیده شافعی احیاء متوقف بر این شرط نخواهد بود و هر کس با آبادانی موات می‌تواند آن را تملیک کند و اقطاع دادن امام به معنای حق تقدم به مقطاع در احیای زمین است. بعضی از فقها نظیر ابن جماعه نیز تملک و آباد نمودن زمین را روا دانستند (همان)، از سویی نیز، بنا به عقیده قاضی ابویوسف املاک و اراضی را تنها در صورت تصرف دائمی می‌توان به افراد واگذار کرد و سلاطین قادر نیستند مالکان یا وراث را سلب مالکیت نمایند. (قاضی ابویوسف، ۱۳۳۵: ۹۱).

در هر صورت، در خلافت اسلامی اقطاع به تدریج به مهمترین شکل مالکیت ارضی تبدیل شد که عبارت بود از تفویض بهره زمینی به کسی بدون آنکه اختیار دیگری در آنجا داشته باشد (پطروشفسکی، ۱۳۵۴: ۱۷۰) و در اصل نهادی بود که توسط دولت حاکم به وجود آمد تا دو نقش عمده را به عهده گیرد: نخست، حقوق انحصاری حکومت نسبت به

مازاد اقتصادی و دوم تسهیل مدیریت مالی سپاه در قلمروی پادشاهی گسترش یابنده(ولی)،  
(۱۳۸۰: ۱۸۹)

بنابر تحلیل لمتون بسط و توسعه سریع امپراتوری اسلامی باری بود که بر پیکر آن سنگینی می‌کرد و این حقیقت هنگامی نمایان شد که در قرن چهارم تزلزلی در ارکان اقتصاد ممالک خلافت شرقی راه یافت و ناچار شدند که به جای اقتصادی که مبنای آن بر طلا بود، اصول اقتصادی دیگری به کار برند و این اصل و مبنا عبارت بود از ملک و آب. مرحله‌ای که منجر به ایجاد چنین تغییری در اساس اقتصادیات هر ناحیه از نواحی مملکت شد تدریجی بود. پایان مرحله اول آغاز مرحله‌ای است که در آن راه و رسم اقطاع ظاهر شد و این روش در دوره سلجوقیان بزرگ تحت قاعده و اسلوب درآمد و توأم با تغییر عظیمی شد که در مالکیت ارضی پدید آمد. بتدریج که لشکریان مزدور جانشین قوایی می‌شدند که در صدر اسلام از همه رعایای مملکت تشکیل یافته بود، مسأله پرداخت مزد آنان مشکل‌تر می‌گشت. نخست به سربازان و امیران چه به عنوان تضمین یا پرداخت مزد و چه به عنوان قسمتی از مزد، مال‌الاجاره زمین را می‌دادند و سرانجام هنگامی که وصول مال‌الاجاره توأم با بی‌نظمی روزافزون شد خود املاک و اراضی را به سپاهیان دادند. (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۱۵)

البته گزارش‌هایی در دست است که در عصر خلفای راشدین نیز مواردی از اقطاع‌داری وجود داشته است. برای نمونه گزارش شده عثمان بن عفان به پنج تن از صحابه پیامبر اقطاعاتی داد(بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۸۹-۳۹۰) اما این موارد بسیار اندک بوده است. چرا که اساس فرمانروایی خلفای راشدین و بنی‌امیه بر سپاهیان بود که از مردم تشکیل یافته بود. اما این سپاهیان در زمان بنی‌عباس جای خود را به سپاهیان مزدور دادند. در واقع پیش از عباسیان «سپاهیان» به معنی معمول کلمه (سپاهیان مزدور) متنفذترین طبقات مردم را تشکیل نمی‌دادند بلکه مهمترین طبقه را افرادی تشکیل می‌دادند که وابسته به نژاد غالب بودند و وظیفه عمده آنان این بود که سلاح برگیرند و از قلمرو مؤمنان دفاع کنند و آن را بسط و توسعه دهند. همین‌که در دوره عباسیان ترکیب مهمترین طبقه از طبقات مردم تغییر یافت، اربابان جدید مملکت یعنی نظامیان، امتیازات مهمترین طبقه سابق از جمله حق

### تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۳۷

استفاده از عواید مملکت را به خود اختصاص دادند. بنابراین تغییرات اجتماعی - اقتصادی نسبتاً زیادی پدید آمد. در نخستین وهله قدرت مرکزی حق وصول مالیات را به افراد متنفذ نظامی سپرد. به موازات افزایش قدرت این متنفذین و به دنبال ضعف قدرت مرکزی، مردم ناچار شدند برای حفظ اموال خود بیش از پیش دست به دامان حمایت آنان بزنند و چون این کار به نوبه خود باعث ازدیاد قدرت متنفذان نظامی می‌شد، این تمایل بر حکومت‌ها غالب آمد که نه تنها به مقطّع‌ها حق وصول خراج زمین را بدهند بلکه خود زمین‌ها را نیز بخشند. در این فرایند به تدریج وابستگی سکنه زمین‌های اقطاعی نسبت به اقطاع‌داران بیشتر و تبعیت آنان از اینان در امور سیاسی و اقتصادی افزون‌تر شد. درست در همین‌جا بود که قدرت نسبی کسانی که زمین‌های اقطاعی به آنان بخشیده می‌شد بیش از پیش و مستقیماً در وضع طبقه دهقانان که وابسته به زمین بودند تأثیر کرد و در یک فرایند طولانی آنان را از مالکان بزرگ به خرده‌مالان ساده بدل ساخت. (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۲۴-۱۲۳)

بدین‌سان به تدریج از دوره عباسیان اقطاع به مهمترین شکل زمین‌داری در شرق خلافت اسلامی تبدیل شد. این روند بویژه از زمان خلافت مقتدر که اوضاع مالی خلافت رو به وخامت نهاد تشدید شد و نتیجه اقدامات خلافت برای رهایی از این وضع ناگوار منجر به ایجاد سیستم مخصوص مقاطعه خراج گردید. (برتلس، ۱۳۴۶: ۳۴) پس از آنکه دستگاه خلافت در تحت نفوذ و قدرت امرای آل بویه قرار گرفت، واگذاری اقطاع هرچه بیشتر بسط و توسعه یافت. به روایت ابن اثیر در سال ۳۳۴ هجری معزالدوله «از اراضی سلطانی و املاک مالکان» به رؤسای سپاه دیلمان اقطاع داد. این اراضی به سرعت رو به ویرانی نهادند و درآمد آنها کاهش یافت و چون قطعه زمینی که در دست اقطاع‌دار بود، به واسطه تحمیل عوارض اضافی سنگین بر روستاییان خراب می‌شد، زمین آباد دیگری به او می‌دادند (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۸/۱۱-۴۹۹۷) گزارش مسکویه به روشنی این وضعیت را می‌نمایاند:

«در این سال (۳۳۴هـ) دیلمیان بر ضد معزالدوله شوریدند... تا پرداخت اموالی را در مدت معینی برای ایشان تضمین کرد... برای این کار او دیه‌های خالصه سلطنتی، املاک فتودال‌های فراری یا پنهان شده... و نیز مالیات دولتی مناطق خرده مالکی را به

صورت کتترات و تیول در اختیار سرداران و دوستان خود و ترکانش بگذارد، تا آنجا که بیشتر سواد عراق از دست کارگزاران و فرمانداران دولتی بیرون آمده به صورت اقطاع در دست در اختیار فئودالها قرار داده شد. و از منطقه‌های آزاد جز اندکی باقی نماند» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۳۱/۶).

مسکویه تحلیل بسیار جالبی از تأثیر نظام اقطاع‌داری بر وضع عمومی جهان اسلام بویژه وضع مالکان خرد و کلان دارد. بر مبنای تحلیل مسکویه سپاهیان اقطاع‌دار (مقطعان) زمین‌های اقطاعی خود را ویران می‌کردند و آنها را به عنوان ویرانه به دولت پس می‌دادند و زمین‌های آبادتر را در عوض آن مطالبه می‌کردند. پس از گذشت سال‌ها:

«درخت‌ها پوسیده، قنات‌ها خشکیده، ابزارهای کار از میان رفته بود ... بار همه این دشواری‌ها نیز بر دوش کشاورزان بینوای بومی سرزمین بود، که برخی از آنجا گریخته، برخی به زیر بار کمرشکن زندگی خرد شده، برخی برای امان یافتن از شر فئودال زمین خود را بدو واگذارده، به کارگر کشاورز تبدیل می‌شدند... روستاها از آبادانی بازماند، دیوان‌ها بسته شد، دفترداری و کارگزاری نابود شد. دبیان دانا مردند و گروهی ناآشنا، روی کار آمدند، که چون به یکی از ایشان کاری واگذار می‌شد، بیگانه و جلف می‌نمودند. اقطاع‌گیرندگان تنها وابستگان و نمایندگان خود را بر سر کار می‌گماردند. پس در آنچه به دست ایشان رخ می‌داد دقت نمی‌کردند و راه بهتر برای بهره‌برداری بیشتر، جستجو نمی‌کردند. این مقطعان عادت داشتند «خوب را بردارند و بد را واگذارند و عوض آن را از دولت بخواهند و آنچه را به دست ایشان ویران شود به دولت پس دهند». به مرور و با گذشت چند سال «بر خودکامگی اقطاع‌داران نسبت به زیردستان افزوده می‌شد، مستضعفان را بر خلاف قانون مصادره می‌کردند، در معاملات به تناسب حال، هر کسی را مغبون می‌کردند، زورمندان را در مالیات تخفیف می‌دادند و پیشکش‌ها و رشوت‌ها می‌ستاندند...» (همان: ۱۳۲ به بعد)

نویسنده تاریخ قم تصریح دارد که زمانیکه «جیل و دیلم بدین نواحی غلبه کردند» دیوان آب را باطل کردند و «اقطاع‌بندادند» (قمی، ۱۳۸۵: ۱۶۲). نویسنده شیرازنامه هم می‌-



### تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۳۹

نویسد «در عهد دیالمه قانون مملکت از نظم خود بگردید از بس فتنه که متعاقب پدید آمد. [ملاکین] ملک‌ها را بازگذاشتند و ترک املاک بگفتند. از آن عهد اقطاع پدید آمد و اکثر زمین‌ها دیوانی شد و پیش از آن اکثر و اغلب زمین‌ها ملک بود» (زرکوب شیرازی، ۱۳۱۰: ۲۶). این گزارش به روشنی فرایند تبدیل ملک به اراضی اقطاعی را نشان می‌دهد. ابوالفضل بیهقی گزارش می‌دهد زمانی که مسعود در سال ۴۲۱ در راه خراسان از ری می‌گذشت اعیان این شهر به او گفته بودند «از بلا و ستم دیلمان رسته‌ایم ... چه اکنون خوش می‌خوریم و خوش می‌خسبیم و بر جان و مال و حُرْم و ضیاع و املاک ایمنیم که به روزگار دیلمان نبودیم» (بیهقی، ۲۵۳۶: ۵۶). گزارش بیهقی نیز به روشنی گویای احساس ترس و نایمندی ملک‌داران از این فرایند است.

با این وصف در دوره آل بویه طبیعی بود که اقطاع‌دارانی که در دوره موقت تصاحب زمین غایب بودند، انگیزه چندانی برای زراعت زمین و حفظ نظام آبیاری آن نداشته باشند. حکومت مرکزی نیز تسلط بالفعل بر نواحی واگذار شده را از دست داد. و در نتیجه به تدریج یک «فئودالیسم شرقی» به وجود آمد که عواقبی فاجعه‌انگیز و درازمدت در اقتصاد بر جای نهاد. ناگهان یک «طبقه اشراف فئودال» پدید آمد و به عنوان طبقه حاکم جایگزین طبقه متوسط و زمینداران غیرنظامی شد و بخش عظیمی از درآمد دولت را به مصرف رساند و به رنجیدگی و خشم طبقات متوسط و پایین اجتماع دامن زد (کرمر، ۱۳۷۵: ۹۰) در این دوره، زمین اقطاعی متناوباً به مالکیت حکومت برمی‌گشت، چه معمولاً اقطاع‌داران یا مصادره می‌شدند یا بر اثر ویرانی و بیحاصلی زمین را رها می‌کردند که البته خود این ویرانی بر اثر مالیات سنگین بود.

### ۳. دوره سلجوقیان

همزمان با حکومت آل بویه در غرب و مرکز ایران، در سرزمین‌های شرقی‌تر و در خراسان هم شاهد رشد تدریجی اقطاع‌داری هستیم. گرچه خواجه نظام الملک تصریح دارد که در زمان سامانیان و غزنویان در خراسان به کسی اقطاع داده نمی‌شد (خواجه نظام الملک طوسی، ۱۳۴۷: ۱۳۴)، از برخی گزارش‌ها استنباط می‌شود که در زمان سامانیان هم در

خراسان زمین به اقطاع داده می‌شده است. برای نمونه گزارش شده سیمجوریان در قهستان «اقطاع وسیعه» داشتند (السمعانی، ۱۹۷۷: ۲۲۷/۷؛ بیهقی، ۱۳۱۷: ۱۳۳)

با این حال همانگونه که گفته شد فرایند بسط و توسعه نظام اقطاع‌داری در دوره سلاجقه بود که به تکامل رسید. برآمدن فاتحان سلجوقی و پایان بخشیدن آنان به دولت‌های متمرکزی که بر اصول خراج تکیه داشتند، وضعی به وجود آورد که برای پیشرفت اقطاع مناسب بود. (برتلس، ۱۳۴۶: ۴۱) به عبارت دیگر سلاجقه در ابتدای کار با دو مشکل مواجه بودند که می‌بایست آنها را حل می‌کردند و این هر دو تأثیر بسیاری بر مسأله زمین‌داری و مالکیت نهاد. نخست اینکه چگونه مقام و موقع عناصر عظیم بیابانگرد را در امپراطوری خود معین کنند آن هم عناصری که اساس زندگی آنان گله‌داری بود و سلجوقیان به دلایل خانوادگی تعهدات خاصی نسبت به آنان داشتند، دوم اینکه حقوق سپاهیان خود را چگونه بپردازند. به باور لمتون شکست سلاجقه در یافتن راه حل مسأله نخست، یکی از عوامل شکست سلجوقیان بزرگ در دوره سنجر بود. از دیگر سو روشی که برای حل مسأله دوم به کار بستند (بسط نظام اقطاع‌داری) اصول کلی تشکیلات لشکری و دستگاه اداری را تثبیت کرد که تا انقلاب مشروطیت استمرار داشت. (لمتون، ۱۳۶۲: ۱۲۷)

واگذاری اقطاع در دوران پس از فتوحات سلاجقه با آنچه در دوره خلفای عباسی و سامانیان و غزنویان معمول بود، تفاوت بارز داشت. در دوره سلاجقه بلافاصله در نظام مالکیت و طرز اداره دولت تغییراتی پدید آمد. در این زمان گروه انبوه کوچ نشینان ترک که جزء سپاه طغرل بودند در خراسان رخنه کرده و بسیاری از آنان در سایه خدمت و قرابت خانوادگی یا عشیرتی با سلسله سلجوقی، وضع و مقام ممتازی به دست آوردند. گزارش راوندی نشان از آن دارد که بسیاری از اینان خواهان اقطاع بودند. گزارش راوندی درباره فتنه قاورد پسر داود مناسبات سلطان سلجوقی را با این کوچ نشینان نشان می‌دهد. به گفته راوندی چون سرانجام قاورد اسیر شد، لشکریان «تطاولی می‌نمودند و تدللی می‌کردند یعنی که چنین فتحی کرده‌ایم» و لشکری شکسته‌اند و از ملک‌شاه «اقطاع، نان‌پاره و جامگی»

تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۴۱

خواستند و تهدید کردند که در صورت امتناع با قاورد بیعت خواهند کرد. (راوندی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

در واقع تنها راه رفع خطر این قبایل یاغی، دادن اقطاع به سران خرد و کلان آنان بود. راوندی درباره حکومت ملک‌شاه می‌نویسد «لشکری که همواره ملازم رکاب بوزند و اسامی ایشان در جراید دیوانی ثبت بوذ چهل و شش هزار سوار بوزند و اقطاعات ایشان در بلاد ممالک پراکنده بوذی تا بهر طرف که رسیدندی ایشان را علوفه و نفقات معد بوذی» (راوندی، ۱۳۸۶: ۳۱). به همین سبب بود که نظام الملک توصیه می‌کرد «لشکر را مال روشن باید کرد. آنچه اهل اقطاع اند اندر دست ایشان مطلق و مقرر باید داشت و آنچه غلامان اند که اقطاع‌داری را نشایند مال ایشان پدیدار باید آورد» (خواجہ نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۱۳۴).

به این ترتیب تثبیت و بسط نظام اقطاع‌داری در دوره سلاجقه به مرحله نهایی خود رسید و درست از همین زمان است که اثرات زیان‌بارش بر نظام زمین‌داری و مالکیت ارضی به تدریج آشکار گردید. همانگونه که بارتولد اشاره نموده روش اقطاعات لشکری یعنی حصه-هایی از زمین که در عوض مواجب و یا بخشی از آن به لشکریان داده می‌شد از لحاظ منابع اهالی زیان‌بخش بوده است. از اغتشاشی که بر اثر روش فتودالی - اقطاعی پدید آمده بود، مسلماً بیشتر طبقه زمین‌دار زیان می‌دیده است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۶-۶۴۵).

بنابراین اثر آنی و مستقیم تثبیت نظام اقطاع، کاهش شدید اراضی ملکی بود. ابن بلخی در همین دوره گزارش می‌دهد که در دو مرغزار پارس «دیه‌ها بعضی ملکی است و بعضی اقطاعی» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). البته روند به سود اراضی اقطاعی افزایشی و به زیان اراضی ملکی کاهشی بود. در واقع انحطاط طبقه زمین‌دار در دوره سلاجقه در نتیجه کاهش فوق‌العاده همین اراضی ملکی بوده است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۶۴۷). ابن بلخی در گفتگو از اوضاع پارس در این دوره می‌نویسد «مالکان املاک از سر ملک‌ها برفته بودند، بیشترین از جور و قسمت‌ها که بر ایشان می‌رفت و از آن عهد باز اقطاع پدید آمد که مالکان، املاک باز

گذاشتند و اگر نه (یعنی اگر مالکان از سر ملک‌ها نمی‌رفتند) پیش از آن‌همه ملک بود» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۷۱).

این تأثیر زیان‌بار بیش از همه دامن دهقانان به مثابه مالکان بزرگ و زمین‌داران اشرافی را گرفت. در واقع توسعه نظام اقطاع در وهله نخست به مالکیت اشرافی آسیب می‌زد و ضربات مهلکی بر پیکر آنان بویژه دهقانان می‌زد (خسروی، ۲۵۳۵: ۹۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۲۸/۲). دقیقاً از همین زمان است که معنی دهقان دچار تغییر شد و این تغییر به تدریج و به میزانی که ملک‌داران قدیمی شهرستانی ایران جای خود را به اقطاع‌داران ترک و بعدها مغول می‌دادند، ظاهر گشت. (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۱۳۷/۲)

در واقع دهقانان، به عنوان یک «طبقه اجتماعی»، در پی اصلاحات ارضی در روزگار خسرو اول انوشیروان پدیدار گشته‌اند. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۹) کریستین سن دهقانان را رؤسای قریه و از جمله نجبای درجه دوم و در ردیف کدک‌خودایان نامیده که اقتدارشان منوط به این بود که اداره امور محلی ارتأاً به آنها می‌رسیده است. دهقانان به منزله چرخ‌های ضروری دولت بوده‌اند. که گرچه هنگام حوادث عظیم تاریخی تظاهری نمی‌کرده‌اند اما از جهت اینکه بنیان استوار کشور و تار و پود دولت محسوب می‌شده‌اند، آنان را باید دارای اهمیت فوق‌العاده دانست. (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۷۹) سمعانی در معنی واژه دهقان تصریح می‌کند «دهقان مقلّم ناحیه‌ای است مرکب از چند قریه و یا صاحب ضیعه و تاکستان» (السمعانی، ۱۹۷۷: ۴۲۳/۵) از گفته سمعانی پیداست که اصطلاح دهقان به طور اعم به معنی مالک زمین - بزرگ یا کوچک - بوده (مالکی که زمین را به عنوان ملک در تصرف داشته). این دهقانان که «رئیسان و خداوند ضیاع و املاک» بودند (مجم‌التواریخ، ۱۳۱۸: ۴۲۰) در ردیف خاندان‌های بزرگ شاهزادگان و شهرگان قرار داشتند (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

بسیاری از این دهقانان در عصر فتوحات در برابر اعراب مسلمان تسلیم شدند و با پرداخت جزیه توانستند املاک و البته جایگاه خود را از آسیب مهاجمان حفظ کنند. در واقع دهقانان در حفظ سازمان اشرافی موجود ذینفع بودند و بدین سبب نمی‌توانستند در برابر

### تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۴۳

رواج و انتشار دین نو که در آن زمان هنوز «جنبه دموکرات‌منشانه» خود را از دست نداده بود، بی‌اعتنا باشند. (بارتولد، ۱۳۶۶: ۴۲۰) دهقانان در بسیاری از موارد با مسلمانان به توافق و صلح می‌رسیدند. (برای برخی از این موارد بنگرید به طبری، ۱۳۸۳: ۱۵۰۵/۴، ۶/۴-۱۶۲۴، ۱۸۰۲/۵، ۱۸۰۷/۵، ۱۸۳۰/۵، ۳۹۲۸/۹). بسیاری از دهقانان نیز نظیر دهقان فلاج و نهرین، دهقان بابل، دهقان عال و فیروز و دهقان نهرالملک نیز بلافاصله مسلمان شدند و عمر «متعرض ایشان نشد و اراضی را از دست‌شان نگرفت و جزیه را از گردن آنان بینداخت». (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۷۹).

طبری از دهقانانی سخن می‌گوید که کمربندهای طلا داشتند (طبری، ۱۳۸۳: ۱۰۳۳/۹؛ برای داده‌های بیشتر درباره تمول دهقانان بنگرید به طبری، ۱۳۸۳: ۱۹۵۷/۵، ۴۰۱۷/۹، ۴۲۲۰/۱۰). در تاریخ بخارا بارها به دهقانان اشاره شده که همه‌جا همراه با توانگری، بزرگ‌زادگی و اشرافیت آمده است (نرشخی، بی تا: ۹، ۶۴-۶۳، ۷۲). بلاذری گزارش داده در زمان خلافت علی (ع)، خلیفه به والی «مناطق که از فرات مشروب» می‌شدند فرمان داد تا «بر دهقانانی که بر یابو سوار می‌شوند و انگشتی طلا به دست می‌کنند» مالیات ببندد. این مالیات دو برابر مالیات بازرگانان بود. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۸۷-۳۸۶).

این اشرافیت دهقانان مختص عصر فتوحات نبود بلکه تا سده‌های بعد هم تداوم داشت. گزارش یعقوبی از مرو در سده سوم هجری نمونه‌ای از این تداوم است «مردم مرو اشرافی از دهقانان عجم‌اند ... والیان خراسان در این جا منزل کردند» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۵) نویسنده حدودالعالم در ذکر ناحیه ایلاق، اصطلاح مهتر (در معنای بزرگ و بزرگ‌زاده و امیر) و دهقان را بی‌تفاوت به جای یکدیگر به کار می‌برد و می‌نویسد «مهتران این ناحیت را دهقان ایلاق می‌خوانند و اندر قدیم دهقانان این ناحیت از ملوک اطراف بودند». (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۱۴)

علی‌رغم این جایگاه اشرافی در نظام زمین‌داری ایران در سده‌های نخستین اسلامی، اما رواج گسترده اقطاع‌داری سرانجام موجبات نابودی و اضمحلال تدریجی دهقانان و رسم دهقانی را فراهم نمود. البته این اضمحلال به تدریج و طی چند سده صورت گرفت و

دهقانان در ابتدای برآمدن سلاجقه همچنان نفوذ اجتماعی خود را حفظ کرده بودند. اما پس از طغرل و با تثبیت نظام اقطاع، به تدریج شاهد افول هرچه بیشتر این نفوذ و جایگاه اجتماعی هستیم. برای نمونه بر مبنای داستانی که دولتشاه سمرقندی ذکر کرده کدخدای ثروتمند روستایی که ۴۰۰ هزار درهم اندوخته بود، دویست هزار درهم از آن را به خزانه می‌داد که اجازه دهند فرزند او «به علم خط و استیفا به شاگردی» شود تا بعد جزء کتّاب دیوان گردد. سلطان چون از این مسأله آگاه شد در غضب شد و خواسته دهقان را رد کرد و گفت «مرا به مال دهقان احتیاج نیست» و نمی‌تواند کار مسلمانان را به «مردم خُرد» بسپرد، چرا که در این صورت او را نکوهش می‌کنند که «نااهلان را علم اشراف و بزرگان اذن فرمود» (سمرقندی، ۱۹۰۰: ۱۸۰) البته این داستان اگر افسانه هم باشد، حاکی از یک واقعیت مهم است.

در واقع مالکیت موروثی بزرگان محلی در اراضی، با نظام اقطاع از هر جهت ناسازگار بود. در دوره حکمرانی سلجوقیان، اعیان جدیدی از اقطاع‌داران، کارداران بلندپایه، مأموران وصول مالیات، سرلشکران و مقرّبان سلطان پدید آمدند که با تمام قدرت در پی اندوختن مال و ثروت بودند. دولت سلطان و این اعیان نودولت، نه تنها از دهقانی میانه و خرد، بلکه از دهقانی کلان هم به کلی بیگانه و بی‌خبر بودند. (برتلس، ۱۳۴۶: ۲۹) دهقانان که قرن‌های دراز پیش از جهانگشائی اعراب از کلاتتری و ریش سفیدی طایفه به اشراف صاحب زمین مبدل شده بودند، با رشته دیرین علایق باستانی به روستاییان و کشاورزان پیوسته بودند. آنان اکنون با تثبیت نظام اقطاع و تحول نظام زمین‌داری، به همراه روستاییان و کشاوران دیگر، در وضعی آشفته به سر می‌بردند.

گزارشی از راوندی روابط میان مأموران سلطان و مالکان ملک را بیشتر و بهتر روشن می‌سازد. او در ضمن صحبت از مرگ یکی از وزیران ظالم و بی‌انصاف سلجوقی در سال ۵۹۲ هـ می‌نویسد «مرگ وی راحت و آسایش مسلمانان بود که اهل عراق از قوانین ظلم که در خوزستان منتشر کرده بود می‌اندیشیدند و دهقانان بر املاک ایمن نبوژند که قبایلها همی-خواست و می‌گفت زمین از آن امیرالمؤمنین است کسی کباشد که ملک دارد» (راوندی،

تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۴۵

۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۲) از گزارش راوندی پیداست که در اواخر سده ششم هجری، دهقانان تا چه میزان بر املاک خود نایمن بودند و کارگزاران حکومتی نیز تا چه میزان در تصاحب املاک آنان اجحاف روا می‌داشتند.

با این وصف سده ششم هجری را می‌توان آغاز تحول مفهوم «دهقان» از زمین‌دار اشرافی به روستایی بی‌نوا دانست. این مساله به وضوح از متن برخی مکاتبات این دوره مشخص است. برای نمونه گرچه در عتبه‌الکتابه (مراسلات سلطان سنجر) از دهقانان همچنان در کنار شحنگان، رؤسا، معتبران، سادات و قضات به عنوان یک طبقه نام برده شده است (منتجب‌الدین، ۱۳۸۴: ۵۵) اما یکی از مکاتبات مهم در این مجموعه نشان می‌دهد که در این سده تا چه میزان مفهوم دهقان از معنای حقیقی و قدیمی خود فاصله گرفته و تنزل یافته است. نویسنده نامه به شاه یا یکی از عمال حکومت می‌نویسد که دهقانان همیشه به «نیک رعیتی» مشهور و در گذشته به رنج‌ها و زیان‌ها مبتلی بوده‌اند و اکنون چندیست در سایه عدل مخاطب نامه «دل بر جان و خان و مان نهاده‌اند و به دهقنت (کشاورزی) بر حسب امکان و قدرت مشغول شده‌اند به ابواب ولات و مقطعان می‌سازند». نویسنده ادامه می‌دهد که با این حال مردم نگران‌اند که خراج اضافی از آنان ستانده شود چون در این صورت مالی برای وصول باقی نمی‌ماند و مردم ناچار می‌شوند آن ناحیه را ترک کنند و «نشاید که چنین ناحیتی ... خراب گردد». نویسنده تأکید می‌کند که اگر «استمالتی نباشد»، دهقانان همه از دهات خواهند گریخت (منتجب‌الدین، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۳) پر واضح است مفهوم دهقنتی که طبری در سده سوم به کار می‌برد تا چه میزان با دهقنت در این نامه سده ششم متفاوت است. همچنین متن نامه به روشنی نایمینی و بی‌ثباتی وضع روستاییان و دهقانان که اکنون داشتند به کشاورزانی بی‌نوا بدل می‌شدند را نشان می‌دهد.

در التوسل الی الترسل (سده ۶) نیز بغدادی در همه جا دهقان را به معنای روستایی و مزارع گرفته است. منتها هنوز معنای کشاورز روستایی بی‌نوا نگرفته و عمدتاً معنای روستایی برزگر از آن افاده می‌شود که هنوز از وضع مالی نسبتاً خوبی برخوردار است، اما دیگر اشرافی زمیندار نیست. برای نمونه در یکی از مکاتبات آمده «سبیل کافه مشایخ و

مقدمان و دهاقین و مزارعان و سایر ...» و نیز «سبیل اعیان و مهتران و مشایخ و پیر و جوان دهاقین و مزارعان و ارباب حرف و سایر طبقات و اهالی آن ناحیت». همچنین «مزارعان و دهاقین را که سبب آبادانی و محصل ارزاق بنی آدم اند از مصرف ظلم متجنده مصون دارد» (بغدادی، ۱۳۸۵: ۴۵ و ۸۹ و ۲۱).

#### ۴. نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد اکنون می توان با اطمینان بیشتری تأکید داشت که اقطاعداری اثرات زیان باری بر نظام زمین داری و مالکیت ارضی داشت. در واقع همانگونه که توضیح داده شد در واقع خلفای عباسی و در مرتبه بعدی حاکمان حکومت های مرتبط با خلافت عباسی برای حل مشکل اساسی پرداخته مواجب سپاهیان به بسط و گسترش نظام اقطاعداری روی آوردند. زمین های بزرگ و آباد ملکی از دست مالکان خارج و به مالکیت موقت یا دائمی سپاهیان درمی آمد. اما این سپاهیان که معمولاً نه تجربه زراعت و کشاورزی داشتند و نه انگیزه و علاقه دائمی به زمین داشتند، تنها تلاش داشتند در کوتاه ترین زمان ممکن از زمینی که موقتاً در تصرف داشتند بیشترین سود را برگیرند. حاصل این امر چیزی جز هرج و مرج و ویرانی زمین های آباد نبود.

اما اثر عمیق تر و مهم تر بسط و توسعه نظام اقطاع، بر مالکیت ارضی بود. در واقع زمانی - که املاک مالکان خرد و کلان از مالکیت شان خارج و به مالکیت نظامیان درمی آمد، این عمل نتیجه ای جز کاهش زمین های ملکی در پی نداشت. در اینجا طبقه دهقانان که عمده ترین صاحبان زمین های ملکی بودند، بیشترین زیان را می دیدند. چرا که هرگونه تغییر و دگرگونی در نظام ارضی می توانست مستقیماً در وضع و موقع آنان و همه زمین داران دیگر و صاحبان اراضی ملکی تأثیر داشته باشد.

#### ۴. کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲)، تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر  
ابن بلخی (۱۳۸۵)، فارسنامه، به تصحیح گاری لسترانج و رینولد نیکلسون، تهران: اساطیر  
ابن فندق، ابوالحسن علی (۱۳۱۷)، تاریخ بیهت، به کوشش احمد بهمنیار، تهران  
ابی نواس (۱۹۸۷)، دیوان، تحقیق الاستاد علی فاعور، بیروت: دارالکتب العلمیه



تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۴۷

اشپولر، برتولد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی

بارتولد، و.و (۱۳۶۶)، *ترکستان‌نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات آگاه  
برتلس، آ.ی (۱۳۴۶)، *ناصرخسرو و اسماعیلیان*، ترجمه یحیی آرین‌پور، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

بغدادی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۸۵)، *التوسل الی الترسل*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر  
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره  
پطروشفسکی، ا. (۱۳۴۴)، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران

پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ (۱۳۵۴)، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام  
*تاریخ سیستان* (۱۳۸۱)، به تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران: انتشارات معین  
تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، «*دهقان*»، مترجم ابوالفضل خطیبی، نامه فرهنگستان، شماره ۹  
*حدودالعالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۶۲)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری

خسروی، خسرو (۲۵۳۵)، *نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران*، تهران: انتشارات شبگیر  
خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۴۷)، *سیرالملوک*، به تصحیح هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

خوارزمی، محمد بن احمد (۱۳۸۹)، *مفاتیح العلوم*، ترجمه سیدحسین خدیوجم، تهران: علمی و فرهنگی

راوندی، محمد بن علی (۱۳۸۶)، *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، به تصحیح محمد اقبال، تهران: اساطیر

زرکوب شیرازی، احمد بن ابی‌الخیر (۱۳۱۰)، *شیرازنامه*، به کوشش بهمن کریمی، تهران: مطبعه روشنایی

زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، *تاریخ مردم ایران*، جلد دوم، تهران: امیرکبیر

سجادی، صادق (۱۳۷۹)، *مدخل اقطاع*، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی

سمرقندی، دولتشاه (۱۹۰۰)، *تذکره الشعراء*، به کوشش ادوارد براون، لیدن: بریل  
السمعانی، ابي سعد عبدالکریم (۱۳۹۷/۵۱۹۷۷)، *الانساب*، هند (حیدرآباد دکن): دارالمعارف  
العثمانیه

صفا، ذبیح الله (۱۳۲۶)، «*دهقانان*»، آموزش و پرورش، دوره بیست و دوم، شماره ۱  
طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر  
فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۹)، *شاهنامه*، بر اساس نسخه مسکو، تهران: آدینه سبز  
قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ قم*، ترجمه تاج الدین حسن قمی، تحقیق محمدرضا  
انصاری قمی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی  
کرمر، جوئل ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمدسعید حنایی  
کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

کریستین سن، آرتور (۱۳۷۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای  
معاصر

گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۸۴)، *زین الاخبار*، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران:  
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

لمتون، ا.ک.س (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و  
فرهنگی

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء  
مجموعه *التواریخ و القصص* (۱۳۱۸)، به کوشش ملک الشعراى بهار، تهران: کلاله خاور  
مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۷۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده،  
تهران: علمی و فرهنگی

مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۸۹)، *تنبيه الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و  
فرهنگی

تأثیر اقطاع‌داری بر نظام زمین‌داری در دوره سلجوقی ۴۹

مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶)، *تجارب الامم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات توس

مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۸۹)، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش

«مقدمه شاهنامه ابومنصوری» (۱۳۶۳)، مندرج در قزوینی، محمد، بیست مقاله، به کوشش

عباس اقبال و پورداد، تهران: دنیای کتاب

منتجب الدین بدیع، علی بن احمد (۱۳۸۴)، *عتبه الکتبه* (مجموعه مراسلات دیوان سلطان

سنجر)، به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر

نرشخی، ابوبکر محمد (بی تا)، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد القباوی، به تصحیح مدرس

رضوی، تهران: کتابفروشی سنائی

ولی، عباس (۱۳۸۰)، *ایران پیشا سرمایه داری*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۵۶)، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.